



A Comparative Study of Ayatollah Ma'rifat and Abdul Azim Zurqani's Views on the Historical Foundations of the Science of Recitation (Qira't)*



Jannat Hossein Shah ^۱
Mohammad Amini Tehrani ^۲
Abbas Elahi ^۳

Abstract

The science of recitation (*Qira't*) is one of the important subjects of Quranic sciences, which has been the focus by Shia and Sunni scholars since the revelation of the Quran. The discussion of recitation (*Qira't*) science has many dimensions. One of the most important of these dimensions is the investigation of the historical foundations of recitation (*Qira't*) science from the perspective of scholars of Two Major Islamic Sects. The present article examines the views of the great Shia scholar Ayatollah Allamah Ma'rifat and the famous Sunni scholar Abd al-Azim Zurqani in the field of the historical foundations of recitation (*Qira't*) science. The important results obtained by examining the views of the above two scholars are: Ayatollah Allamah Ma'rifat did not consider any recitation (*Qira't*) of Hafr's narration from Asim recitation to be a more massive report, and does not consider it authentic. Abdul Azim Zurqani considers the seven recitations to be a massive report and valid. In Ayatollah Allamah Ma'rifat's view, the collection and compilation of the Quran in its current form did not take place at one time but was done over time by different people and groups. The order, setting and number of verses in each surah during the lifetime of the Holy Prophet are done by the order of the Holy Prophet and it should be accepted as worship and reciting a surah in the same way. The recording of the verses in the surahs, whether by natural order or order-based, is restricted and by the supervision and order of the Holy Prophet, it has been done and it should be followed. However, according to Zurqani, the collection of the Quran was in three stages: the era of the Prophet, the era of Abu Bakr, and the era of Uthman. According to Ayatollah Allamah Ma'rifat, the most important factor in the creation of the science of recitation (*Qira't*) is the ijtihaad of the companions and the reciters. According to him, the difference in recitations (*Qira'at*) is not based on revelation. But from Ruzqani's point of view, the seven recitations from the Almighty God on the Holy Prophet have been revealed Based on this, the interpretation of these two religious scholars is different from the narration of Seven Letters.

Keywords: Historical Foundations of the Science of Recitation (*Qira't*), Comparative study, Ma'rifat, Ruzqani

*. Date of receiving: May ۲، ۲۰۲۲، Date of approval: January ۳، ۲۰۲۳.

۱. Student of Level ۴، Recitation Sciences and Arts of Al-Mustafa International University, Qom, Iran ;(Corresponding Author); jannati۱۲۵۲۷۴۷@yahoo.com

۲. Assistant Professor of the Department of Recitation Sciences and Arts of Al-Mustafa International University; mohamad_aminitehrani@miu.ac.ir

۳. Assistant Professor of Interpretation Department of Al-Mustafa International University, Qom, Iran; abbas_elahim@miu.ac.ir



بررسی تطبیقی دیدگاه آیت الله معرفت و عبدالعظیم زرقانی در

مبانی تاریخی دانش قرائت *



جنت حسین شاه *** محمد امینی تهرانی *** عباس الهی ****

چکیده

دانش قرائت از مباحث مهم علوم قرآنی است که از نزول قرآن تاکنون برای علماء و دانشمندان شیعه و اهل سنت مورد توجه قرار گرفته است. بحث از دانش قرائات ابعاد متعددی را دارد. یکی از مهم ترین این ابعاد، بررسی مبانی تاریخی دانش قرائات از دیدگاه دانشمندان فریقین می باشد. مقاله حاضر به بررسی دیدگاه دانشمند بزرگ شیعه آیت الله علامه معرفت و دانشمند معروف اهل تسنن عبد العظیم زرقانی در حوزه ی مبانی تاریخی دانش قرائت می پردازد. نتایج مهمی که در اثر بررسی دیدگاه دو دانشمند فوق حاصل شد عبارت اند از: آیت الله علامه معرفت غیر از روایت حفص از قرائت عاصم هیچ قرائت دیگر را متواتر ندانسته و برای آن حجیت قائل نیستند. عبدالعظیم زرقانی قرائت هفت گانه را متواتر و حجت می داند. در دیدگاه آیت الله علامه معرفت جمع و تألیف قرآن به شکل کنونی، در یک زمان صورت نگرفته، بلکه به مرور زمان و به دست افراد و گروه های مختلف انجام گرفته است. ترتیب، نظم و عدد آیات در هر سوره در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و با دستور آن بزرگوار انجام شده و توقیفی است و باید آن را تعبداً پذیرفت و به همان ترتیب سوره ای را تلاوت کرد. ثبت آیات در سوره ها، چه با نظم طبیعی یا نظم دستوری، توقیفی است و با نظارت و دستور خود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله انجام گرفته است و باید از آن نظم پیروی نمود. اما در نظر زرقانی جمع آوری قرآن در سه مرحله دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دوران ابوبکر و دوران عثمان بود. مهم ترین عامل پیدایش قرائات از نظر آیت الله علامه معرفت اجتهاد صحابه و قراء است. اختلاف قرائات از نظر ایشان مستند به وحی نمی باشد. اما از دیدگاه زرقانی قرائات سبعة از طرف خداوند متعال بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است. بر همین اساس تفسیر این دو عالم دینی از روایت سبعة احرف متفاوت می باشد.

واژگان کلیدی: مبانی تاریخی دانش قرائت، بررسی تطبیقی، معرفت، زرقانی

*** تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۲ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳.

*** دانش آموخته سطح چهار رشته علوم و فنون قرائت، (از کشور پاکستان)، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمية، قم، ایران، «نویسنده مسئول» (jannati120274@yahoo.com).

*** استادیار، گروه علوم و فنون قرائت، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمية، قم، ایران؛ (mohamad_aminitehrani@miu.ac.ir).

**** استادیار، گروه تفسیر، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمية، قم، ایران؛ (abas_elahim@miu.ac.ir).

مقدمه

دانش قرائت یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه علوم قرآنی به‌شمار می‌آید و پیوسته مورد توجه و اهتمام قرآن‌پژوهان و علاقه‌مندان به قرآن کریم به‌ویژه علماء بزرگ تشیع و اهل تسنن بوده است.

نوشتار حاضر با هدف بررسی تطبیقی دیدگاه‌های آیت‌الله معرفت و عبدالعظیم زرقانی در حوزه دانش قرائت تدوین شده است. در این پژوهش، سعی شده است که مباحث مهم در دانش قرائت مطرح و دیدگاه این دو بزرگوار بیان شود. مباحث دانش قرائت خیلی گسترده است که در بعضی موارد این دو بزرگوار دیدگاه مشترک دارند و در بعضی موارد دیدگاه‌های ایشان متفاوت است.

در این نوشتار، برآنیم که دیدگاه‌های این دو بزرگوار شیعه و اهل تسنن در زمینه مبانی تاریخی مانند (حجیت تاریخی، رسم المصحف، مصاحف قرآن، پیدایش قرائات، سیر تحول دانش قرائات و شبهات) بررسی و تحلیل گردیده است. مبانی دانش قرائت دو دسته‌اند: مبانی تاریخی و مبانی غیر تاریخی. در این مقاله به مبانی تاریخی پرداخته می‌شود.

مبانی تاریخی

کلمه «مبانی» در لغت به معنی اساس، بنیاد و بنیان هر شیء است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۰۲/۱) و بدین جهت، اساس و مبنای کتابت را حروف می‌دانند و بدان «مبانی» اطلاق شده است. (طبرسی، بی‌تا، ۱۱۳/۱) در مفهوم‌شناسی حروف، بیان شده که «کثره المبانی تدل علی کثره المعانی» و یا «زیاده المبانی تدل علی زیاده المعانی» (ترجمه جوامع الجامع، ۵۱۴/۶) نشان از نقش حروف به عنوان «اصل و پایه» در گسترش معانی داد.

در اصطلاح هر علم، اساس، پایه‌ها و بستر و ساحت‌های زیرین آن علم است و در خصوص قرائات، مبانی آن عبارت از «باور و اصول پذیرفته شده و مسلم علماء قرائت» است (علوی مهر، ۱۳۸۱: ۴۰) که در فرایند قرائت آن‌ها سهیم می‌باشد و پذیرش اثباتی یا



نفی آنها، سبب رویکردی خاص در قرائات می‌گردد. مبانی در قرائات، همواره به‌عنوان پیش‌فرض و مطالب پذیرفته شده و پشت صحنه علم قرائات مطرح هستند که نزد علماء قرائات، متفاوت است و بدین جهت، اختلاف در قرائات را به همراه آورده‌اند؛ زیرا مبانی ثابتی برای همه علماء قرائات وجود ندارد. از مبانی تعبیر به «پیش‌فرض‌های بنیادین» هم شده است (رضایی اصفهانی، درسنامه مبانی و قواعد تفسیر، ۱۱۲).

«مبانی تاریخی» مباحثی است که مربوط به تاریخ است و باید قبل از ورود به علم قرائات یک‌سری باورهای تاریخی را بپذیریم که مثلاً فلان بحث در تاریخ بوده یا نبود و با چه کیفیتی بوده؛ یعنی در واقع درباره رخداد‌های تاریخی که مربوط به دانش قرائات است، موضع خود را مشخص کنیم. مانند: نزول قرآن (هفت حرف)، جمع قرآن، تواتر قرائات، پیدایش قرائات و.... در این مقاله شش مبنا را بیان می‌کنیم.

مبانی اول: حجت تاریخی (تواتر قرائات قرآن)

توجه داشته باشید که بحث تواتر قرائات یکی از مباحث مهم و ضروری علوم قرآنی می‌باشد و بعضی از مسلمانان قرائات را متواتر دانسته‌اند؛ اما قبل از آغاز بحث اصلی، معنای لغوی و اصطلاحی تواتر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

این واژه از ریشه «و - ت - ر» (به معنای «فرد»)، به معنای در پی هم آمدن و پیایی شدن است (فراهیدی، ۱۴۱۰؛ بیهقی، ۱۴۲۳: ۸۶۲/۲). این واژه و واژه هم‌عرض آن (مواتره) در جایی به کار می‌رود که افراد یک چیز یکی پس از دیگری، باندکی فاصله زمانی پدید می‌آیند (ابن فارس، ۱۴۰۴). راغب اصفهانی تواتر را به معنای پی‌درپی آمدن چیزی دانسته است (راغب، ۱۴۱۲: ۸۵۳). ابن‌منظور در لسان العرب ضمن این که تواتر را به معنای آمدن یکی پس از دیگری ذکر می‌کند، تصریح می‌کند که تواتر زمانی صدق می‌کند که پشت سر هم آمدن توأم با فاصله و گذشت‌اندک زمانی باشد و اگر پی‌درپی بودن بدون هیچ فاصله‌ای باشد، تواتر گفته نمی‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲۷۵/۵). مطلب اخیر را طریحی نیز آورده است. او اضافه می‌کند که اگر آمدن با فاصله باشد به جای متواتر، مدارک و مواصل می‌گویند (طریحی، مجمع البحرین، ۵۰۸/۳). فیومی بی‌تا از ازهری نقل می‌کند که معنای

تواتر، همیشگی و مداومت است. او کلمه را مأخوذ از تواتر می‌کند و می‌نویسد: تواتر الخیل به معنای آمدن اسب‌ها یکی پس از دیگری است (فیومی بی‌تا، بی‌تا، ۶۴۷/۲). شهید ثانی معنای اصطلاحی متواتر را چنین معنا می‌کند که راویان یک روایت در کثرت به حدی به رسند که در حالت عادی اجتماعشان بر کذب محال باشد؛ و این ویژگی باید در تمام طبقات وجود داشته باشد (عاملی «شهید ثانی»، ۱۴۱۴: ۱۲). شیخ بهایی نیز در الوجیزه می‌فرمایند که خبری که سلسله سند آن در هر طبقه به حدی برسد که از تبانی بر کذب در امان باشد، متواتر خواهد بود که در این صورت به تنهایی موجب یقین می‌شود (بهایی عاملی، ۱۳۹۶: ۴). فخر رازی نیز می‌نویسد: تواتر در اصطلاح علماء عبارت است از خبر گروه‌هایی که در فراوانی به حدی برسند که علم به گفتارشان حاصل شود (رازی، ۱۴۲۰: ۹۰۲/۳).

تواتر قرائت از دیدگاه امامیه و علمای عامه

بحث مبانی قرائی در قرآن مجید از جمله مبانی قرآن کریم است. در مورد قرائت‌های معروف نظریه‌ها مختلف است. در ذیل نظریه‌های عامه و امامیه به صورت اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. نظریه امامیه

علامه حلی، قرائت‌های هفت‌گانه را متواتر می‌داند و قرائت هر یک از آن‌ها را در نماز جائز می‌داند؛ ولی دیگر قرائت‌ها را متواتر نمی‌داند و خواندن آن‌ها را در نماز جائز نمی‌داند (الحلی، تذکره الفقهاء، ۱/۱۱۵). شهید اول، قرائت‌های ده‌گانه را متواتر می‌داند و از این رو، فرموده است که می‌شود به هر یک از آن‌ها در نماز عمل کرد (عاملی «شهید اول»، ذکر الشیعة فی احکام الشریعة، ۳/۳۰۵).

اما به فرموده مرحوم خوئی در بین امامیه مشهور آن است که این قرائات متواتر نیستند. بعضی از این قرائت‌ها اجتهاد قاری و بعضی منقول به خبر واحد هستند. البته در میان تواتر



خود قرآن کریم با تواتر قرائت‌ها هیچ نوع ملازمه‌ای نیست؛ زیرا دلایل تواتر قرآن کریم به هیچ وجه تواتر قرائت‌ها را اثبات نمی‌کند، چنانکه ادله نفی تواتر قرائت‌ها به هیچ وجه به خود قرآن کریم سرایت نمی‌کند (خوئی، بی‌تا، ۱۲۳ - ۱۲۴).

دیدگاه آیت الله معرفت

ایشان می‌فرمایند: مسأله تواتر قرآن که امر قطعی و ثابت است، ارتباط و ملازمه‌ای با تواتر قرائات ندارد و بیشتر قرائات، از روی اجتهاد شخصی بوده و هرگز مستند به نقل و روایت نیست و اگر به فرض تواتر تا قاریان را بپذیریم، این تواتر اثری نخواهد داشت؛ زیرا تواتر برای کسی حجیت دارد که نسبت به خود او حاصل شده باشد نه دیگران. فرض کنیم که هر یک از قرائت‌های سبعة، از پیغمبر ﷺ تا خود قاری متواتر است و سپس از وی به دیگران، آن‌گاه لازمه این فرض آن است که در دوران خود قاری، اشخاص دیگری نیز این قرائت را نقل کنند، در صورتی که چنین نیست و کسی جز خود قاری، قرائت را نقل نکرده است و صرفاً اوست که ناقل تواتر به دیگران است و این عمده‌ترین شرط تواتر را از دست داده است؛ زیرا در تمامی طبقات، نقل همگانی وجود نداشته است.

بنابراین، مسأله تواتر قرائات سبع، اساساً قابل تصور نبوده و معقول نیست؛ زیرا در زمان هر یک از قاریان هفت‌گانه ناقل تواتر، صرفاً خود آن قاری بوده نه دیگران، وگرنه آن قرائت به او نسبت داده نمی‌شد و جنبه اختصاصی پیدا نمی‌کرد (معرفت، ۱۳۸۸: ۵۹).

۲. نظر اهل سنت

جماعتی از دانشمندان اهل سنت بر این عقیده‌اند که این قرائت‌ها به تواتر به رسول اکرم ﷺ می‌رسند و چه بسا این دیدگاه در بین آن‌ها مشهور باشد. از سبکی نقل شده است که قرائت‌های ده‌گانه را متواتر می‌دانست. حتی بعضی از آن‌ها زیاده روی کرده، چنین پنداشته‌اند که اگر کسی بر این باور باشد که لزومی ندارد قرائت‌های هفت‌گانه متواتر باشد، کفر ورزیده است. این نظریه به مفتی سرزمین اندلس، ابوسعید فرج ابن لب نسبت داده شده است (خرمشاهی، ۱۳۷۶: ۱۶۳۶/۲).

برخی از دانشمندان اهل سنت بر این اعتقاد دارند که قرائت قراء سبعة سند معتبری ندارد تا چه رسد به تواتر آنها. لذا ادعای تواتر قرآن کریم هیچ گونه تناسبی به تواتر قراءات سبعة ندارد و آنچه مسلم است در نزد محققین، تواتر قرآن کریم است نه تواتر قراءات متعدد. ابن جزری گفته است: من ابتدا موافق تواتر قراءات سبعة بودم، آن گاه به بطلان آن پی بردم (جزری، ۱۳/۸۳۳:۱). سیوطی قراءات سبعة را متواتر نمی داند (سیوطی، ۱/۲۵۸/۱۳۸۰). رازی گفته است: گرچه اتفاق بر تواتر قراءات سبعة است! لیکن این سخن اشکال دارد (فخررازی، تفسیر کبیر، ۶۳/۱). مرحوم بلاغی نیز گفته است: «قراءات هفت گانه و نیز ده گانه، به احادیث آحاد است و سبب اطمینان نیست» (البلاغی، ۱۴۲۰: ۲۹/۱).

دیدگاه زرقانی

محمد عبدالعظیم زرقانی معتقد است که قرائت های ده گانه متواتر هستند. ایشان برای اثبات قول خود دیدگاه ابن سبکی و ابن جزری و نویری و همچنین نظر ابوشامه را بیان می کند (زرقانی، ۱۳۸۵: ۵۰۲).

مبانی دوم: رسم المصحف (رسم المصحف عثمانی)

قرآن کریم، معتبرترین منبع معارف اسلامی و از جنبه های گوناگون، کتابی بی نظیر و بی همتا است. لذا هر مسلمانی علاقه مند است که با تاریخ کتاب دینی خود آشنا شود و از لابه لای مدارک و منابع موجود میزان توجه و اهتمام مسلمانان صدر اسلام و یاران پیامبر اکرم (ص) را به این کتاب مقدس به دست آورد. برای مسلمانان جالب است قرآنی که اکنون بی هیچ تغییر و تحریفی در دست ما است، چه فراز و نشیبی را در بستر تاریخ پیموده است. یکی از دقیق ترین مباحث علوم قرآنی، بررسی تاریخ نگارش و تدوین قرآن است. یکی از محققانی که به صورت گسترده به این بحث پرداخته و انصافاً این مسأله را به صورت دقیق و محققانه مورد بحث قرار داده، عالم فرزانه حضرت آیت الله محمدهادی معرفت (دامت برکاته) می باشد که حق مطالب را به خوبی ادا کرده است.



به نظر آیت الله حکیم، عناصر پنج گانه (اهمیت قرآن کریم، توجه به این مطلب که در صورت عدم تدوین، قرآن در معرض تحریف واقع می شود، وجود امکانات تدوین، تأکید پیامبر ﷺ بر حفظ و صیانت قرآن و اخلاص پیامبر نسبت به آن)، این یقین را به وجود می آورد که قرآن کریم در زمان رسول خدا نگاشته، جمع آوری و تدوین شده است. بنابراین، بیان این مسئله که «قرار است کاری انجام شود که در زمان رسول خدا ﷺ انجام نشده، قابل پذیرش نیست.

می توان گفت: یکی از عواملی که قرآن را از هرگونه تحریف حفظ کرده، نگارش آن بوده است که پیامبر ﷺ سخت به آن اهتمام می ورزید و برخی از کسانی را که با خواندن و نوشتن آشنایی داشتند برای این کار برگزید. در تاریخ از این افراد به عنوان کاتبان وحی یاد شده و تعداد آن ها را بعضی از مورخان تا ۴۳ نفر نام برده اند (زنجانی، ۱۴۰۴: ۴۲) که اسامی همه آن ها در تاریخ ثبت شده است.

در مورد جمع آوری قرآن نظرات مختلفی را می توان مطرح کرد که مهم ترین آن ها عبارتند از:

نظریه اول: قرآن به صورت کنونی در زمان خود پیامبر ﷺ و به دستور آن حضرت جمع آوری شده است.

نظریه دوم: قرآن به صورت فعلی بعد از رحلت آن حضرت و در زمان خلیفه اول یعنی ابوبکر، و یا در زمان عثمان جمع آوری شده است و آن ها قرآن را از اوراق پراکنده جمع و بدین صورت جمع آوری نمودند (صغیر، ۱۴۲۰: ۶۵).

نظریه سوم: تنظیم و نگارش قرآن به صورت کنونی در یک زمان صورت نگرفته؛ بلکه به مرور زمان و به دست افراد مختلف انجام شده است. ترتیب، نظم و عدد آیات در هر سوره، در زمان حیات پیامبر ﷺ و با دستور آن حضرت انجام شده و توقیفی است و باید تعبدا پذیرفت. هر سوره با فرود آمدن «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز می شد و آیات به ترتیب نزول در آن ثبت می گردید؛ ولی نظم و ترتیب سوره ها بعد از رحلت آن حضرت



انجام گرفته است. از جمله کسانی که این نظریه را پذیرفته‌اند محقق آیت‌الله معرفت می‌باشد (معرفت، ۱۳۸۲: ۸۴).

دیدگاه آیت‌الله معرفت

ایشان معتقدند که جمع و تألیف قرآن به دست افراد مختلف و در زمان‌های مختلف صورت گرفت و می‌فرمایند که نظم و ترتیب و عدد آیات توقیفی است؛ چون در زمان پیامبر ﷺ و با دستور ایشان انجام شده است. گاهی نزول آیات با نظم طبیعی بود و هر سوره کامل با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نازل و ثبت می‌شد تا اینکه سوره بعدی با «بِسْمِ اللَّهِ...» نازل شود؛ اما بعضی آیات برخلاف نظم طبیعی نازل می‌شدند که پیامبر ﷺ دستور می‌داد که آن‌ها را در سوره‌های دیگر قرار داده شود. مانند آیه «وَأَقْبُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ». (سوره بقره، آیه ۲۸۱) (صغیر، ۱۴۲۰: ۸۴).

دیدگاه زرقانی

ایشان معتقدند که قرآن کریم بر پیامبر گرامی اسلام ﷺ وقتی نازل شد که ایشان درس ناخوانده بودند و در میان مردم ناخوانا و بی‌سواد مبعوث شده بود. پیامبر اسلام ﷺ از همان ابتدا تمام تلاش خود را به حفظ قرآن داشت و برای مسلمانان می‌خواند تا آن‌ها هم قرآن را حفظ کنند.

حتی تلاش پیامبر ﷺ برای تعلم و حفظ قرآن اینقدر زیاد بود که هر وقت جبرائیل وحی را نازل می‌کرد پیامبر ﷺ آن را حفظ می‌کرد تا هیچ کلمه‌ای از قرآن فراموش نشود (زرقانی، ۱۳۶۸: ۲۳۴).

در نتیجه می‌توان جمع‌آوری قرآن را در سه مرحله قرار داد: دوران پیامبر اسلام ﷺ، دوران ابوبکر و دوران عثمان. در زمان پیامبر ﷺ آیات قرآن را مرتب و سوره‌ها را در مکان‌های خاصی قرار داده شد؛ اما بر سنگ‌ها و استخوان‌ها و چیزهای مختلف به صورت پراکنده نوشته شد.



در زمان ابوبکر قرآن بر اوراق و با رعایت ترتیب آیات نوشته شد؛ اما در زمان عثمان قرآن به صورت یک مصحف جمع شد که آن مصحف (مصحف امام) نامیده شد (زرقانی، ۱۳۶۸: ۲۵۵).

مبانی سوم: مصاحف قرآن

مُصَحَّف در لغت به معنای چیزی بوده که صحیفه‌ها در آن جمع شده است؛ یعنی چیزی که دارای دو رُویه (جلد) بوده و در آن، اوراق جمع‌آوری و نگهداری می‌شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل واژه).

واژه مُصَحَّف در قرآن نیامده است؛ اما هم‌ریشه آن یعنی واژه صُحُف، هشت بار به کار رفته است و به کتاب پیامبرانی چون ابراهیم، موسی، به لوح محفوظ و نامه اعمال، صحف گفته شده است.

اصطلاح مُصَحَّف برای قرآن، بیشتر در زمانی رواج یافت که به شکل امروزی‌اش تدوین شد. به عبارت دیگر، هنگامی که پس از رحلت پیامبر ﷺ قرآن را یک‌جا جمع کردند و نوشتند، آن را «مُصَحَّف» خواندند (خرمشاهی، ۱۳۷۶: ۲۰۶۵/۲).

محمدباقر حجتی درباره نامگذاری قرآن به مصحف می‌نویسد: «بر طبق منابع تاریخی اهل سنت، چنین استفاده می‌شود که نامگذاری قرآن به مصحف به زمان خلافت ابوبکر بازمی‌گردد». وی پس از نقل روایات گوناگون در این زمینه به نقد و بررسی این نظریه پرداخته است (حجتی، تاریخ قرآن کریم، ص ۴۶۲ به بعد).

۱. تدوین مصحف واحد

در زمان پیامبر ﷺ و پس از آن، مصحف‌های فراوانی متعلق به یاران پیامبر ﷺ و تابعین وجود داشت. محمود رامیار پژوهشگر قرآنی به برخی از این مصحف‌ها و صاحبان آن‌ها اشاره کرده است که از آن جمله مصحف امام علی (ع)، مصحف حمزه عموی پیامبر ﷺ، ابی بن کعب، معاذبن جبل، زیدبن ثابت و ابو ایوب انصاری هستند. گوناگونی این مصحف‌ها موجب اختلاف مردم می‌شد. چنان‌که مردم نواحی مختلف (کوفه، بصره، دمشق، شام) هر کدام یک مصحف را قبول داشتند و آن را درست



می‌پنداشتند. خلیفه سوم برای جلوگیری از اختلاف میان مردم و تفاوت در بین مصحف‌ها دستور داد که در دست هر کسی مصحفی یا آیه‌ای یا سوره‌ای یا قسمتی از قرآن است، بیاورد. آن‌گاه گفت: از روی این همه، مصحفی درست کنند که اساس و امام باشد و اگر در قرائت کلمه‌ای اختلاف پیدا کردند، زبان و لهجه قریش را (که قرآن به این زبان نازل شده است) مقدم دارند. پس از اینکه مصحف رسمی آماده شد، عثمان دستور داد تا از روی آن چندین نسخه نوشتند و هر یک را به طرفی از اطراف جهان اسلامی فرستادند و نیز به منظور رفع اختلاف دستور داد تا باقی‌مانده مصحف‌ها را که متفاوت بودند در آتش بیندازند. بدین ترتیب، قرآن طی چند سال (منتهی به حدود سال ۲۸ق) بین دو جلد، از سوره فاتحه تا ناس و در ۱۱۴ سوره تدوین شد (خرم‌شاهی، ۱۳۷۶: ۲۰۶۵/۲).

۲. تعداد مصحف

از اینکه تعداد مصاحف چندتا بودند، اختلاف نظر وجود دارد. بعضی مانند ابن‌عاشر و صاحب زاد القراء می‌گویند ۶ عدد بود. بعضی مانند سیوطی و ابن‌حجر ۵ عدد گفتند و بعضی تعداد مصاحف را ۸ و بعضی ۳ هم گفتند (زرقانی، ۱۳۵۸: ۴۵۵).

دیدگاه زرقانی

ایشان می‌گویند قرآن کریم در زمان‌های پیامبر ﷺ، ابو بکر و عثمان نوشته شد. پیامبر اسلام ﷺ و اصحاب ایشان برای کتابت قرآن، عنایت خاصی داشتند و به چیزی که به آن دسترسی داشتند، می‌نوشتند (همان، ۲۷۳).

دیدگاه آیت‌الله معرفت

آیت‌الله معرفت قائلند: ترتیب و تنظیم سوره‌ها در زمان پیامبر ﷺ و به دستور ایشان انجام شده و توقیفی است. کسی نمی‌تواند در آن دست داشته باشد؛ چون کاری که پیامبر ﷺ انجام داده باشد، هیچ‌کس نمی‌تواند در آن دخالت داشته باشد؛ اما زرقانی می‌گوید: بعضی سوره‌ها توقیفی و با دستور پیامبر ﷺ انجام شده و بعضی اجتهادی و توسط صحابه انجام شدند (معرفت، ۱۳۸۹: ۱۲۰).



مبانی چهارم: آغاز پیدایش قرائات

از نخستین روزهای نزول قرآن کریم، عده‌ای از صحابه، وظیفه تصدی آیات کلام الله المجید را بر عهده گرفتند. بعد در مدینه، مکه، کوفه و.... قاریان مشهور تربیت یافتند. هر کدام برای خود، در بعضی از آیات قرآن مجید، قرائتی متفاوت از دیگر قرائات را انتخاب کرده‌اند؛ در حالی که مستند آن‌ها نیز کلام نبی مکرم ﷺ بود. آنان که صحابه نبی مکرم اسلام ﷺ بودند و بعد نیز برخی از تابعین به آن‌ها ملحق شدند و وجوه مختلفی از قرائات را به وجود آوردند که در قرون بعدی، مشهور به قرأ سبعة، عشره و اربعة عشر شدند.

در عصر عثمان، قرائات مختلف وجود داشت. عثمان تصمیم گرفت که قرائات را به صورت واحد گرداند. بخاری، از انس بن مالک حکایت می‌کند که حذیفه بن یمان پیش عثمان آمد و اختلاف مردم عراق و شام را در مورد قرائات قرآن کریم برای عثمان عرضه کرد و گفت: «ادرک هذه الامة قبل ان تختلفوا في الكتاب اختلاف اليهود والنصارى»؛ یعنی این مردم را دریاب پیش از این که در قرآن کریم، اختلافی مانند اختلاف یهود و نصاری در باره کتابشان، رخ بدهد. عثمان از حفصه خواست که نسخه‌های موجود پیش خود را که به امانت از طرف پدرش پیش ایشان بود، به وی برگرداند و عده‌ای به آماده کردن مصحفی بر اساس قرائت واحد مأموریت داد (بخاری، ۱۴۲۲: ۲۲۶/۲).

عوامل پیدایش اختلاف قرائات

بی تردید، تفاوت مصحف‌های مناطق و شهرهای اسلامی، مهم‌ترین عامل پیدایش اختلاف قرائت گردید. مردم هر شهر ملتزم به قرائت قرآن بر طبق مصحف خود و مطابق قرائت قاری اعزامی به آن شهر بودند. ابن عامر - که قاری شام بود - آیه «جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ» (سوره آل عمران، آیه ۱۸۴) را با بَاء (بِالزُّبُرِ) قرائت می‌کردند؛ زیرا در مصحف شام چنین نوشته بود؛ اما دیگران بدون باء قرائت می‌کردند (رمضان، الکشف، ۳۷۰/۱). همچنین نافع و ابن عامر آیه «سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ» (سوره آل عمران، آیه ۱۳۳) را بدون واو قرائت می‌کردند؛ زیرا مصحف مدینه و شام چنین بود. نافع، قاری مدینه و ابن عامر، قاری شام بود.

قراء دیگر این آیه را با واؤ «وَسَارِعُوا» قرائت می کردند؛ زیرا در مصحف های آنان واؤ نوشته شده بود. در اینجا دیدگاه های فریقین را بررسی می کنیم.

۱. دیدگاه اهل سنت

در بین عموم علماء و دانشمندان اهل سنت، قرائت هفت گانه و از نظر بعضی، حتی قرائات سه گانه متمم ده گانه را نازل شده از سوی پروردگار عالم و برخی آنان را متواتر می دانند. البته غیر از این، دیدگاه های دیگر هم وجود دارد که به بعضی از آن ها در ذیل اشاره می شود: ابوشامی مقدسی قرائات سبعة قاری معروف را به خاطر مشهوریت و افزونی موارد صحیح اجماعی در قرائت آنان مورد اعتماد دانسته شده است (المرشد الوجیز، ص ۱۷۴). البته وی قرائت ها دارای سند درست از رسول اسلام ﷺ که با رسم المصحف مطابقت داشته باشد را ثابت شده می داند و شرط تواتر را برای قرائت قابل قبول الزامی نمی شمارد (همان، ۱۷۱).

ابن مجاهد اولین کسی است که قرائت ها را در عدد هفت منحصر کرد و این فعل قابل اعتماد دانشمندان بعدی صورت گرفت، احادیثی را از طریق اعمش از عاصم بن ابی النجود از زرّاز عبدالله بن مسعود از امیر المومنین (رضی الله عنه)، حکایت می نماید که «اَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ؟ ص؟ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَقْرُوا الْقُرْآنَ كَمَا عَلَّمْتُمْ». (ابن مجاهد، السبعة في القرائات، ص ۴۷) ایشان در جای دیگر، قرائت را سنتی که لازم است پیروی شود (سنة متبعة) و بدون امکان اجتهاد در آن معرفی می کند (همان، ص ۵۰).

زرکشی نیز به ابوشامی شباهت دارد. ایشان در کتاب خودش بیان کرده است که: «بدان قرآن کریم و قرائات دو واقعیت مختلف اند. «قرآن مجید» همان وحی نازل بر پیامبر اسلام ﷺ برای تبعیین (احکام و حقائق شریعت) و ارائه اعجاز می باشد؛ مگر «قرائات» اختلاف الفاظ وحی ذکر شده در نوشتن حروف و الفاظ یا کیفیت آن ها مثلاً تخفیف، تشدید یا نبر و امثال آن ها است.» (زرکشی، البرهان، ۱/ ۶۵۴) زرکشی در جایی دیگر به دیدگاه جمهور دانشمندان در متواتر بودن قرائت های سبعة بیان می کند؛ ولی تواتر را از قاری به



بعد می‌شمارد و تواتر از رسول اسلام ﷺ را محل اشکال می‌شمارد (زرکشی، ۱۴۱۵: ۶۶۶)؛ اما قرائت‌ها را توقیفی و به دور از اختیار معرفی می‌نماید و آن را سستی که لازم است پیروی شود، دانسته است (زرکشی، ۱۴۱۵: ۶۶۹-۶۷۰).

جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی بکر معروف به سیوطی تواتر قرائات سبعة را از قاضی بلقینی حکایت می‌کند؛ ولی آن را محل اشکال می‌داند. البته خود، جایی دیگر معمولا قرائات را متواتر می‌داند (سیوطی، ۱۳۸۰: ۲۴۳/۱).

ابن الجزری هر قرائت موافق با ادبیات عرب، ولو به وجهی و هماهنگ با یکی از مصاحف عثمانی، ولو احتمالی که صحیح سند داشته باشد را قرائت درست می‌شمارد که ردش جایز نیست، از جمله هفت حرفی است که قرآن مجید به آن نازل گردیده است. در بین این، قرائت ممکن است از هفت‌گانه یا ده‌گانه مشهور یا قاریان مقبول دیگر باشد (ابن الجزری، ۸۳۳: ۹/۱-۵۱).

در بین متأخران، زرقانی دارای دیدگاه مابین ابن‌الجزری و ابوشامه است. در یک جای، قرائتی که سه شرط (موافقت با رسم المصحف و مطابقت با ادبیات عرب، سند صحیح) داشته باشد، به قبولش حکم می‌شود و بیان می‌دارد که منکرش را کافر می‌شمرد؛ اما در جایی دیگر، دیدگاه ابوشامه مورد قابل واقع می‌شود که اگر قرائتی از قاری و بدون اختلاف باشد، آن قرائت متواتر می‌باشد؛ ولی آنچه دارای اختلاف باشد، غیر متواتر است (زرقانی، ۱۳۶۲: ۳۴۳/۱).

فقط دیدگاه از اختلافات ذکر شده در بین دیدگاه علماء اهل سنت، می‌شود گفت: توقیفی بودن قرائات مشهور وجه مشترک در میان دیدگاه آن‌ها است. به صورت جواز قرائت به هر یک از آن‌ها را به طریق اولی قائل هستند.

دیدگاه زرقانی

زرقانی معتقد است که قرائت قرآن به صورت شفاهی و نقل امام از امام دیگری تا سلسله به پیامبر ﷺ برسد، به ما رسیده است و قرآن وقتی نازل شد از علامات و نقطه‌ها

خالی بود و کلمات هر یک از وجوه قایی را پذیرا بود. همچنین دانستیم که عثمان در شهرهای مختلف مصحف‌های مختلف را با اعزام قاری می‌فرستاد (زرقانی، ۱۳۸۵: ۴۰۶).

۲. از دیدگاه علماء امامیه

حقیقت آن است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله، قرآن کریم را یک گونه می‌خوانده‌اند، همان طور که از سوی خدای منان یگانه قرآن کریم به صورت و شکل نازل شده است. زراره از امام محمد باقر علیه السلام روایت نقل می‌کند: «عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنْ الْإِخْتِلَافُ يَجِيءُ مِنْ قَبْلِ الْوُحْدِ» (کلینی، الکافی، ۱۲/۲)؛ زراره از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: قرآن یکی است و از نزد یکی، نازل شد؛ ولی اختلاف از سوی راویان و نقل کنندگان پدید آمده است.

قریب به همین موضوع فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام، روایتی نقل می‌کند که امام فرمود: «عن الفضيل بن يسار قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ: «إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ، فَقَالَ: كَذَبُوا أَعْدَاءُ اللَّهِ، وَلَكِنَّهُ نَزَلَ عَلَى حَرْفٍ وَاحِدٍ مِنَ الْوَاحِدِ» (همان)؛ فضیل بن یسار نقل می‌کند که خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردم می‌گویند: قرآن بر هفت حرف نازل شده، فرمود: دروغ می‌گویند، دشمنان خدا، قرآن بر یک حرف و از جانب یکی نازل شده است. در بین علماء و دانشمندان امامیه، دیدگاه به عمده مبتنی بر یگانه بودن قرائت اصلی و حقیقی قرآن مجید است! یکی از مستندات این اعتقاد، روایاتی است که از اهل بیت علیهم السلام نقل شده است.

شیخ صدوق به روایت امام صادق علیه السلام با مضمون: «الْقُرْآنُ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ، عَلَى نَبِيٍّ وَاحِدٍ، وَإِنَّمَا الْإِخْتِلَافُ مِنْ جِهَةِ الرُّوَاهِ» استناد می‌کند و قرائت قرآن کریم واحد است و یکی بیش‌تر نمی‌داند (ابن بابویه، ۱۳۹۱: ۸۶).

شیخ طوسی دیدگاه مشابه شیخ صدوق ولی با وضاحت بیش‌تر دارد. شیخ طوسی می‌فرماید: «انَّ المعروف من مذهب الامامية والتطلع على ما في أخبارهم ورواياتهم أنَّ القرآن نزل بحرف



واحد علی نبیّ واحد غیر آنهاّم أجمعوا علی جواه القرائة بما يتداوله القراء وأن الانسان مخیر بأی قرائة شاء قرأ و
کرهاو تجرید قرائة بعینها» (طوسی، تفسیر التبیان، ۷/۱).

بدانید که معروف در مذهب امامیه و مطلب شایع از خبرها و روایاتشان آن است که
قرآن مجید بر یک حرف و بر یک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است؛ ولی اجماع وی بر جواز
قرائت مطابق آنچه در میان قرای معروف و مشهور بوده است، می باشد و هر فرد به هر
قرائتی (از میان آن قرائت ها) که بخواهد مخیر است. وی مجرد (و محدود) ساختن تنها یک
قرائت (و کنار گذاشتن بقیه قرائت ها) را جواز نمی داند و به قرائت رایج در میان قاریان
اجازه داده اند. طبرسی در مجمع البیان لعلوم القرآن نیز دیدگاه شیخ طوسی را تایید می کند
(طبرسی، بی تا: ۷۹/۱).

علامه حلی در ضمن مسائل فقهی در مورد احکام قرائت در نماز، قول تواتر قرائات
هفت گانه دارد و می گوید: «يجوه أن يقرأ بأي قرائة شاء من السبعة لتواترها ولا يجوه أن يقرأ بالشواذ وإن
اتصلت روايته لعدم تواترها وأحب القرآن إلى ما قرأه عاصم من طريق أبي بكر العيا و ابو عمرو بن العلاء وأنهما
أولى من قرائة حمزة و كسائي بما فيها من الادغام وال؛ امالة و زيادة المدّ» (حلی، ۱۴۱۲: ۲۷۲/۱).

جایز است که قرآن کریم به هر یک از قرائات هفت گانه به جهت تواتر تمام آن ها
خوانده شود؛ ولی قرائت به قرائت شاذ جایز نمی باشد، هر چند داری سند متصل باشد
چون به حد تواتر نیست. قابل اعتمادترین قرائت پیش من آن است که عاصم قرائت کرده
است از طریق ابوبکر بن عیاش و قرائت ابو عمرو بن علاء. این دو قرائت از قرائات حمزه و
کسائی به خاطر ادغام، اماله و کشش مد که همگی تکلف محسوب می شوند، برتر شمرده
می شوند، هر چند اگر آن (قرائات حمزه و کسائی) قرائت شود بدون هیچ اختلافی نماز
نمازگزار صحیح است.

امام خمینی (رحمه الله) می فرماید: احتیاط آن است که یکی از قرائات سبعة تخلف
نماید؛ بلکه بعید نیست که قرائت بر طبق یکی از قرائت های دیگر جایز باشد (امام خمینی،
تحریر الوسیله، ۱، باب قرائت).

دیدگاه آیت الله معرفت

ایشان معتقد هستند که عوامل اختلاف قرائت بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در زمان صحابه باز می‌گردد. چون پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله صحابه بر سر نظم و جمع‌آوری قرآن اختلاف کرده بودند و همین اختلاف سبب شد که قاریان هم در قرائت اختلاف داشته باشند (معرفت، ۱۳۸۹: ۱۶۶-۱۶۷).

افزون بر عامل مهم یاد شده، عوامل دیگری به اختلاف قرائت دامن می‌زد مانند: ابتدایی بودن خط، بی‌نقطه بودن حروف، نداشتن علایم و حرکات، نبودن الف در کلمات، گوناگونی لهجه‌ها، استبداد در رای و اجتهاد، خودستایی در ادبیات عرب (معرفت، ۱۳۸۸: ۳۴/۲).

اشتراکات و افتراقات دیدگاه‌های علامه معرفت و زرقانی

بعد از بررسی دیدگاه آیت‌الله معرفت و زرقانی در عوامل پیدایش اختلاف قرائت نگارنده به این نتیجه رسیده است که آن دو بزرگوار در بعضی از این موارد اختلاف نظر دارند که به‌طور خلاصه آن‌ها را بیان می‌کند.

۱. زرقانی می‌گوید: آغاز پیدایش اختلاف قرائات از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد؛ اما آیت‌الله معرفت می‌فرماید پیدایش اختلاف قرائات بعد از زمان پیامبر؟ ص؟ شروع شده است.

۲. زرقانی سه عامل را باعث پیدایش اختلاف قرائات ذکر نمود: تعدد نزول در قرائات، عاری بودن کلمات از نقطه و ارسال مصاحف‌های مختلف به شهرهای اسلامی.

اما آیت‌الله معرفت علاوه بر این سه، شش مورد دیگر را باعث پیدایش اختلاف قرائات می‌داند: ۱. ابتدایی بودن خط؛ ۲. نداشتن علائم و حرکات؛ ۳. نبودن الف در کلمات؛ ۴. گوناگونی لهجه‌ها؛ ۵. استبداد در رأی و اجتهاد؛ ۶. خودستایی در ادبیات.



ایشان مهم ترین عامل از بین عوامل فوق را استبداد در رای و اجتهاد می دانند که بر خلاف نظر زرقانی است.

مبانی پنجم: ادوار مهم دانش قرائت از نظر آیت الله معرفت و زرقانی

قرائت و تلاوت آیات قرآن یکی از دغدغه های مهم مسلمانان از ابتدای نزول وحی بوده است. از همان آغاز عده ای پیوسته به این امر عهده دار قرائت قرآن و آموزش قرآن در جامع اسلامی شدند. این قرائت قرآن از نزول تاکنون مراحل مختلفی دارد و در این باره علماء قرائت نظرات مختلفی دارند.

دیدگاه دانشمندان فریقین درباره ادوار دانش قرائت

دانشمندان شیعه و اهل سنت در مورد ادوار و مراحل قرائت دیدگاه مختلفی دارند که ما اینجا مختصراً به آن اشاره می کنیم.

دیدگاه آیت الله معرفت

ایشان در هیچ کتابی مراحل و ادوار دانش قرائت را تقسیم بندی نکردند. نویسنده از دیدگاه ایشان نتیجه گیری کرده و دیدگاه ایشان را به صورت مرحله به مرحله بیان می کند:

مرحله اول: پس از نزول قرآن بر پیامبر اسلام ﷺ در طبقه اول علاوه بر امیر المؤمنین (علیه السلام) چند تن از صحابه مانند: ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود، زید بن ثابت و... بودند که قرائت قرآن را از خود پیامبر ﷺ فرا گرفته بودند و بعد از این تا طبقه هشتم بزرگانی دیگر بودند که قرائت قرآن را فرا گرفته بودند (معرفت، ۱۳۸۹: ۲۰۳).

مرحله دوم: آموختن قرائت به دیگران: در این مرحله پس از صحابه، از تابعین مانند سعید بن مسیب، مجاهد، مسروق، یحیی بن یعمر و مصاحب ابودرداء بوده اند که در شهرهای مختلف مانند مدینه، مکه، کوفه، بصره و شام می رفتند و قرائت قرآن را فرا می گرفتند (معرفت، ۱۳۸۹: ۲۰۳).

مرحله سوم: مرحله تخصص در فن قرائت: پس از گذشت دوره آموختن قرائت به دیگران، گروهی از بزرگان قرآنی در رشته اختصاصی در فن قرائت دست زدند و در قرائت

تخصص پیدا کردند و بالاخره به نام امام القراء شهرت یافتند و مردم به آنها مراجعه می کردند (همان/۲۰۳).

مرحله چهارم: مرحله تألیف و تدوین: پس از مرحله تخصصی قرائت، تدوین و تألیف قرائت بود. اولین کسی که به ضبط قرائت‌های صحیح و جمع‌آوری قرائت در کتابی مفصل و مبسوط همت گماشت، ابو عبید قاسم بن سلام انصاری (متوفای ۲۲۴) بود که شاگرد کسائی (از قراء هفت‌گانه) به شمار می‌آمد. بعد از او کتاب‌های زیادی در این باره نوشته شد.

مرحله پنجم: انحصار قرائات هفت‌گانه: قاضی اسماعیل بن اسحاق مصاحف قالون کتابی در قرائت تألیف کرد که در آن قرائت‌های بیست تن از ائمه جمع‌آوری شده است. پس از آن احمد داجونی کتابی نوشت که در آن ابوجعفر که از قراء عشره بود را اضافه کرد. پس از آن ابن مجاهد آمد و کار آن را دنبال کرد و او نخستین کسی است که عدد قرائت‌ها را در قرائت‌های هفت‌گانه منحصر کرد (معرفت، ۱۳۸۹: ۲۰۴).

به نظر می‌رسد آیت‌الله معرفت دوره ابن مجاهد را دوره تحول دانش قرائت می‌دانند و می‌فرمایند: سلسله قرائات و قاریان به همین صورت ادامه داشت تا اوایل قرن چهارم ابن مجاهد به نام شیخ القراء شهرت یافت و او هفت قرائت را از هفت قاری رسمیت داد. (همان، ۱۶۵).

دیدگاه زرقانی

عبدالعظیم زرقانی هم در کتاب‌های خود مراحل و ادوار دانش قرائت را تقسیم‌بندی نکرده و نویسنده بعد از مطالعه دقیق کتاب‌های ایشان، به نتیجه رسید که دیدگاه زرقانی را می‌توان در مراحل زیر تقسیم‌بندی کرد.

مرحله اول: پس از نزول بر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فراگیری صحابه از پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است که به حفظ و تعلیم قرآن شهرت یافته‌اند. از میان صحابه آنان که به تعلیم قرآن مشهور بودند عبارت بودند از عثمان، علی، ابی ابن کعب، زید ابن ثابت، ابن مسعود، ابودرداء، ابوموسی



اشعری. سجستانی می نویسد: در مرحله اول صحابه پیامبر قرآن را از آن حضرت فراگرفته بودند و خود به تعلیم قرآن و قرائت آن بر دیگران مأمور بودند. پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از میان صحابه، بعضی به مقامات بلندی در قرائت رسیدند؛ به گونه ای که قرائت آنان و مصاحفشان در میان مسلمانان مشهور و معروف گردید؛ مانند ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود (سجستانی، ۱۴۲۳: ۳۹).

مرحله دوم: پس از آن مرحله تابعان بوده که حافظان و معلمان مشهور قرآن در میان تابعان زیاد بوده اند که از مناطق مختلف مانند: مدینه، مکه، بصره، کوفه و شام بوده اند. سجستانی می گوید: جهت مشخص نمودن هر قرائت، آن را به صاحب آن نسبت می دهند؛ مثلاً قرائت ابن مسعود، قرائت ابی، قرائت معاذ، قرائت ابوموسی و.... بنابراین، مشخصه اصلی این مرحله، انتساب قرائت به اشخاص است و همین امر تفاوت آن را با مرحله بعد آشکار می سازد. در طبقه بندی قُرّاء افرادی در طبقه دوم قرائت قرار گرفته اند که قرآن را بر طبقه اول عرضه نموده اند (سجستانی، ۱۴۲۳: ۳۹).

مرحله سوم: نظم و انسجام در قرائت: پس از تابعان، گروهی به طور اختصاصی به قرائت پرداختند و آن را نظم و انسجام دادند و به او توجه خاصی داشتند. این ها از شهرهای مختلف مانند: مدینه، مکه، کوفه، بصره و شام بودند. افرادی که از این شهرها بودند از قاریان هفت گانه بودند. مانند: عبدالله بن کثیر مکی، حمزه کوفی، ابوعمر بن العلاء و عبدالله بن عامر (زرقانی، ۱۳۸۵: ۴۷۰).

مرحله چهارم: مرحله تألیف و تدوین: درباره تألیف و تدوین بعد از نزول قرآن تا مدت ها چیزی گفته نشد که چهار نفر از قاریان دست به تألیف قرائت زدند مانند: سجستانی، اسماعیل قاضی، ابوجعفر طبری و ابوعبید قاسم ابن سلام.

مرحله پنجم: حصر قرائات هفت گانه: پس از این، در آغاز قرن دوم قرائات هفت امام قاری در سرزمین اسلامی شهرت یافت و این هفت قرائات بدون تدوین تا پایان قرن سوم به حال خود باقی ماند تا اینکه ابن مجاهد تمیمی در بغداد به تدوین آن همت گماشت و قرائات هفت قاری را ثبت کرد (همان، ۱۳۸۵: ۴۷۴).

مقایسه بین دیدگاه‌ها

۱. آیت‌الله معرفت مرحله سوم را مرحله تخصصی قرائت می‌دانند و می‌گویند که گروهی خاص در فن قرائت توجهی خاصی داشته و در قرائت قرآن و آموزش آن شهرت یافتند تا اینکه در مقام امامت فنّ قرار گرفتند. زرقانی هم مرحله سوم را مرحله تخصصی قرار داده است و گفته است که پس از تابعان گروهی به‌طور اختصاصی به قرائت پرداختند و آن را نظم و انسجام بخشیدند.

۲. در مورد تدوین و تألیف قرائت بین این سه دیدگاه اختلاف وجود دارد. در نظر آیت‌الله معرفت و زرقانی اولین کسی که در قرائت کتابی نوشت ابو عبید قاسم بن سلام انصاری (متوفای ۲۲۴) بود.

مبنای ششم: قراء و قرائات سبع

۱- قرائات سبع

قرائت همان خواندن و تلاوت قرآن کریم می‌باشد. و اصطلاحاً به‌گونه‌ای از تلاوت قرآن اطلاق می‌شود که ویژگی‌های خاصی داشته باشد.

در دیدگاه آیت‌الله معرفت قرآن دارای نصّ واحدی است و اختلاف میان قرآء بر سر به‌دست آوردن و رسیدن به آن نصّ واحد است (معرفت، ۱۳۸۹: ۱۶۶). همان‌گونه که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «انّ القرآن واحد نزل من عند واحد ولكن الاختلاف يجيء من قبل الرواة» (کلینی، اصول کافی، ۲/۶۳۰)؛ قرآن یکی بیش نیست و اختلافات بر سر قرائت آن از جانب راویان [قاریان] صورت گرفته است. اما زرقانی دیدگاه متفاوتی دارد. او می‌گوید: نه فقط قرائات هفت‌گانه؛ بلکه قرائات ده‌گانه هم متواترند (زرقانی، ۱۳۸۵: ۵۰۲).



۲- قراء هفت گانه، ده گانه و چهارده گانه

در طبقات مختلف بزرگان قرآنی کارهای با ارزش قرآنی را انجام دادند و این کار تا طبقه هشتم ادامه داشت و در اوائل قرن چهارم ابن مجاهد هفت قرائات را از هفت قاری به رسمیت شناخت.

در حجیت و تواتر قرائات مذکور که آیا جملگی به طور متواتر از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل و ضبط شده است یا نه، گفتگوها فراوان است که از آن مباحث نفی تواتر قرائت را می توان نتیجه گرفت. به عبارت دیگر، طبق رأی محققین بیش از یک قرائت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نرسیده و آن قرائتی است که در میان مردم و جمهور مسلمانان متداول است و هر قرائت که با آن مطابق باشد، مقبول و گرنه مردود است (خدایی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۸).
آیت الله معرفت می فرماید: در قرائت قرآن، قاریان در موارد مختلف اختلاف داشتند و ابن مجاهد از بین قاریان مختلف فقط هفت قرائت را انتخاب کرد که هر قاری دو راوی دارد:

قاریان هفت گانه

۱. ابن عامر: یک قاری مشهور از شام بود که دو راوی او، هشام و ابن زکوان بودند.
۲. ابن کثیر: از قاریان مکه بوده و دو راوی او بزّی و قنبل بودند.
۳. عاصم: عاصم بن ابی النجود اسدی از کوفه است و دو راوی او حفص بن سلیمان و شعبه ابو بکر بن عیاش بودند.
۴. ابو عمرو: ابو عمرو بن علاء مازنی از قاریان بصره بوده و دو راوی او دوری و سوسی هستند.
۵. حمزه: حمزه بن حبیب زیات از کوفه بود و دو راوی او خلف بن هشام و خلاد بن خالد هستند.
۶. نافع: نافع بن عبدالرحمن اللیثی از مدینه بود. دو راوی او قالون و ورش بودند.

۷. کسائی: علی بن حمزه از قاریان کوفه بود. دو راوی او لیث و دوری بودند (معرفت، ۱۳۸۲: ۱۴۸).

قاریان ده گانه

متأخرین سه قاری دیگر بر این هفت قاری اضافه کرده‌اند.

۸. خلف بن هشام: قاری از بغداد بود و راویان او ابو یعقوب و ابو الحسن بودند.

۹. یعقوب حضرمی: قاری بصره بوده و راویان او رويس و روح بودند.

۱۰. ابوجعفر مخزومی: قاری مدینه بود و راویان او ابن وردان و ابن جمّاز بودند (همان/۱۴۸).

قاریان چهارده گانه

چهار قاری دیگر بر خلاف مشهور قرائت می‌کردند، که قرائت شاذ گفته می‌شود.

۱۱. حسن بن یسار بصری: قاری بصره بوده و راویان او بلخی و دوری می‌باشد.

۱۲. ابن محیصن: از قاریان مکه است و راویان او بزی و ابن شنبوذ بودند.

۱۳. یحیی بن مبارک یزیدی: از قاریان بصره بوده و راویان او سلیمان بن حکم و احمد بن فرج ضریر هستند.

۱۴. أعمش: هم از قاریان کوفه بود و شنبوذی و مطوّعی راویان او بودند (همان/۱۴۸).

نتیجه‌گیری

در این مقاله شش مورد از مبانی تاریخی دانش قرائت بیان شد و آن‌ها عبارتند از: حجیت تاریخی (تواتر قرائات قرآن)، رسم المصحف (رسم المصحف عثمانی)، مصاحف



قرآن، آغاز پیدایش قرائات، سیر تحول دانش قرآنت و قراء و قرائات سبعة. در این شش
مبانی مهم ترین نکاتی که بر شمرده شد عبارتند از:

۱. در مورد تواتر و حجیت قرائات های معروف در نظرات علماء امامیه و عامه اختلاف
وجود دارد. در علماء امامیه شهید اول قرائات های ده گانه را متواتر می داند. علامه
حلی، قرائت های هفت گانه را متواتر می داند. مرحوم آیت الله خوئی و آیت الله فقط
یک قرائت، قرائت حفص از عاصم را متواتر و حجت می داند. در علماء عامه برخی
قرائت ده گانه، برخی قرائات هفت گانه و برخی دیگر تنها یک قرائت را متواتر
می دانند؛ اما زرقانی قرائات هفت گانه را متواتر می داند.

۲. درباره رسم المصحف و جمع آوری قرآن سه نظریه وجود دارد.
نظریه اول: قرآن به صورت کنونی در زمان خود پیامبر ﷺ و به دستور آن حضرت
جمع آوری شده است.
نظریه دوم: قرآن به صورت فعلی بعد از رحلت آن حضرت و در زمان خلیفه اول،
یعنی ابوبکر، و یا در زمان عثمان جمع آوری شده است و آن ها قرآن را از اوراق
پراکنده جمع و بدین صورت جمع آوری نمودند.
نظریه سوم: تنظیم و نگارش قرآن به صورت کنونی در یک زمان صورت نگرفته؛ بلکه
به مرور زمان و به دست افراد مختلف انجام شده است.

۳. در زمان پیامبر ﷺ و پس از آن، مصحف های فراوانی وجود داشت که از آن
جمله مصحف امام علی ﷺ، مصحف حمزه عموی پیامبر، ابی بن کعب، معاذ بن
جبل، زید بن ثابت و ابو ایوب انصاری می باشد. مردم نواحی مختلف
(کوفه، بصره، دمشق، شام) هر کدام یک مصحف را قبول داشتند. خلیفه سوم
برای جلوگیری این اختلاف دستور داد که از روی این همه مصحفی درست
کنند که امام و اساس باشد.

۴. عوامل پیدایش اختلاف قرائات در دیدگاه آیت‌الله معرفت، بعد از رحلت پیامبر اسلام ﷺ و در زمان صحابه اتفاق افتاد و این اختلاف سبب شد که بین قاریان اختلاف به وجود بیاد؛ اما در دیدگاه زرقانی، آموخته‌های صحابه نیز از رسول خدا ﷺ مختلف بود. بعضی از ایشان قرآن را تنها با یک شیوه قرائت از رسول خدا ﷺ آموختند و بعضی دیگر با دو شیوه و بعضی نیز با چند شیوه.



فهرست منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، ابوجعفر محمد بن علی، الاعتقادات، قم: پیام امام هادی (علیه السلام)، ۱۳۹۱.
۳. ابن فارس بن زکریا، ابوالحسین، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب اعلام اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۵. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت-دمشق: دارالعلم-الدارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۶. البلاغی، محمدجواد بن حسن، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، تهران: بعثت، ۱۴۲۰ ق.
۷. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر، بی جا: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ ق.
۸. بهایی عاملی، محمد بن حسن بن عبدالصمد، الوجیزه فی دریه، قم: منشورات المکتبه الاسلامیه الکبری، ۱۳۹۶ ق.
۹. جزری، محمد بن محمد، النشر فی قرائات العشر، بیروت (لبنان): دارالکتب العلمیه، چاپ اول، سال ۸۳۳.
۱۰. حلی، جمال الدین ابو منصور حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. خدایی اصفهانی، اکرم، اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص، تهران: رایزن، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۱۲. خرمشاهی، بها الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

۱۳. خوئی، ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۱۳ق.
۱۴. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، المحصول فی علم اصول الفقه، بیروت: المكتبة العصریه، چاپ دوم، ۱۴۲۰ق.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، درسنامه مبانی و قواعد تفسیر، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ دوم، ۱۳۹۷ش.
۱۶. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۳۶۲ق.
۱۷. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، محققان: یوسف عبدالرحمن مرعشلی، جمال حمدی ذهبی و ابراهیم عبدالله کردی، بیروت: دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۱۸. سجستانی، ابو بکر بن ابی داود، المصاحف، قاهره (مصر): الفاروق الحدیثه، ۱۴۲۳ق.
۱۹. سیوطی، جلال الدین، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۸۰ش.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مترجم: صاحبی، عبدالعلی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۸۶ش.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مقدمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: ابوالحسن شعرانی، تهران: کتاب فروش اسلامی، بی تا.
۲۲. عاملی، زین الدین بن علی شهید ثانی، شرح بدایه فی علم درایه، تحقیق: سید محمدرضا حسینی جلالی، قم: منشورات فیروزآبادی، ۱۴۱۴ق.
۲۳. علوی مهر، حسین، روش ها و گرایش های تفسیری، قم: اسوه، چاپ دوم، ۱۳۸۱ش.



۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۲۵. فیومی، احمد بن محمد مقری، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: منشورات دارالرضی، بی تا.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۷. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ترجمه: ابومحمد وکیلی، تحت عنوان: آموزش علوم قرآن، بی جا: سازمان تبلیغات اسلامی، بی تا.
۲۸. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۸۸ش.
۲۹. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، ۱۳۸۲ش.
۳۰. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم (یاران): مؤسسه فرهنگی «تمهید»، چاپ یازدهم، ۱۳۸۹ش.

References

١. The Holy Quran .Translation of the Quran, Rezaei Isfahani, Mohammad Ali et al., The first group translation of the Holy Quran, Qom: Dar al-Dhikr, ٢٠٠٥.
٢. Alavi Mehr, Hossein, Methods and Interpretative Tendencies, Qom: Uswah, Second Edition, ٢٠٠٢.
٣. Al-Balaghi, Mohammad Javad bin Hassan, Ala'a al-Rahman fi Tafsir al-Quran, Tehran: Bi'that, ١٤٢٠ A.H.
٤. Amili, Zain al-Din bin Ali Shahid Thani, Sharh Bidayah fi Ilm al-Dirayah, Researched by Seyyed Mohammad Reza Hosseini Jalali, Qom: Manshurat Firouzabadi, ١٤١٤ A.H.
٥. Baha'i Amili, Muhammad bin Hassan bin Abdul Samad, al-Awjiza fi Darya, Qom: Al-Maktab Al-Islamiya Al-Kubari Publications, ١٣٩٦ A.H.
٦. Bukhari, Abu Abdullah Muhammad bin Ismail, Sahih Bukhari, Researched by Muhammad Zuhair bin Nasir, bija: Dar Tawq al-Najah, ١٤٢٢ A.H.
٧. Farahidi, Khalil bin Ahmad, Kitab al-Ain, Qom: Hijrat Publishing House, Second Edition, ١٤١٠ A.H.
٨. Fiyouni, Ahmad bin Mohammad Maqri, al-Masbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabeer by Rafi'i, Qom: Dar al-Razi's Publications, n.d.
٩. Hilli, Jamal al-Din Abu Mansoor Hassan bin Yusuf, Muntaha al-Matalib fi Tahqiq al-Madhab, Mashhad: Majma' al-Buhuth al-Islamiyyah, ١٤١٢ A.H.
١٠. Ibn Babawayh (Sheikh Sadouq), Abu Ja'far Muhammad ibn Ali, Al-Itiqdat, Qom: Message of Imam Hadi, ٢٠١٢.
١١. Ibn Faris bin Zakaria, Abul Husayn, Mu'jam Maqayis al-Lughgah, Qom: Maktab al-I'lam al-Islami, First Edition, ١٤٠٤ A.H.
١٢. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mukaaram, Lisan al-Arab, Beirut: Dar Sadir, Third Edition, ١٤١٤ A.H.
١٣. Isfahani, Hossein bin Mohammad Raghbi, Mufradat Alfaz al-Quran, Researched by Safwan Adnan Davoudi, Beirut-Damascus: Dar al-Alam-al-Dar



al-Shamiyyah, ۱۴۱۲ A.H.

۱۴. Jazari, Muhammad bin Muhammad, Al-Nashr fi Q'ra'at al-Ashhar, Beirut (Lebanon): Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, First Edition, Year ۸۳۳ A.H.

۱۵. Khodayi Isfahani, Akram, The importance of Reading Asim according to the Narration of Hafs, Tehran: Raizen, First Edition, ۱۹۹۹.

۱۶. Khoei, Abu al-Qasim, Al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Qom: Institute for Revival of the Works of Imam Al-Khoi, ۱۴۱۳ A.H.

۱۷. Khorramshahi, Bahauddin, Encyclopedia of Quran and Quran Studies, First Edition, ۱۹۹۷.

۱۸. Kulayni, Mohammad bin Yaqub bin Ishaq, Al-Kafi, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya, ۴th Edition, ۱۴۰۷ A.H.

۱۹. Ma'rifat, Mohammad Hadi, Al-Tamhid fi Uloom al-Quran, Translated by Abu Mohammad Vakili, under the Title: Instruction of Quranic Sciences, N.p.: Organization of Islamic Preaching, n.d.

۲۰. Ma'rifat, Mohammad Hadi, Al-Tamhid fi Ulum al-Quran, Qom: Al-Tamhid Cultural Publishing Institute, ۲۰۰۹.

۲۱. Ma'rifat, Mohammad Hadi, History of the Quran, Tehran: Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities, ۲۰۰۳.

۲۲. Ma'rifat, Mohammad Hadi, Quranic Sciences, Qom (Yaran): "Tamhid" Cultural Institute, ۱۱th Edition, ۲۰۱۰.

۲۳. Razi, Fakhr al-Din Muhammad ibn Umar, al-Mahsul fi Ilm Usul Fiqh, Beirut: al-Maktabah al-Asriyyah, Second Edition, ۱۴۲۰ A.H.

۲۴. Rezaei Isfahani, Mohammad Ali, Textbook of Basics and Rules of Interpretation, Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center, Second Edition, ۲۰۱۸.

۲۵. Sajistani, Abu Bakr bin Abi Dawud, Al-Masahif, Cairo (Egypt): Al-Foroq al-Hadithiyyah, ۱۴۲۳ A.H.

۲۶. Suyuti, Jalal al-Din, Translation of al-Iqtan in the sciences of the Quran, Translated by Mehdi Haeri Qazvini, Tehran: Amir Kabir, Third Edition, ۲۰۰۱.

٢٧. Tabarsi, Fazl bin Hassan, Introduction to Majma' alBayan fi Tafsir al-Quran, Edited by Abul Hassan Sha'rani, Tehran: Islamic Bookstore, n.d.
٢٨. Tabarsi, Fazl bin Hassan, Translation of Tafsir Jawam' al-Jamae, Translator: Sahibi, Abdul Ali, Mashhad: Islamic Research Foundation, ٦th Edition, ٢٠٠٧.
٢٩. Zarkashi, Badr al-Din Muhammad bin Abdullah, Al-Burhan fi Ulum al-Quran, Researchers: Yusuf Abdul Rahman Mara'shli, Jamal Hamdi Dhahabi and Ibrahim Abdullah Kurdi, Beirut: Dar al-Ma'rifah, Second Edition, ١٤١٥ A.H.
٣٠. Zurqani, Muhammad Abd al-Azeem, Manahil al-Irfan fi Ulum al-Quran, Beirut: Dar Ihya Al-Turath al-Arabi, First Edition, ١٣٦٢ A.H.